



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

احکام و آداب جنگ در

نهج البلاغه

نهج البلاغه



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

احکام و آداب جنگ در نهج البلاغه

نویسنده:

جواد مصطفوی

ناشر چاپی:

جواد مصطفوی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	احکام و آداب جنگ در نهج البلاغه
۶	مشخصات کتاب
۶	اهمیت جنگ در نهج البلاغه
۷	هدف جنگ
۷	حضرت هیج گاه آغاز به جنگ و حمله نمی کرد
۸	امیرالمومنین پیش از جنگ اتمام حجت می کرد
۸	اشاره
۹	جنگ جمل
۹	جنگ نهروان
۱۰	آن حضرت تاکتیکهای جنگی را آموزش می داد
۱۱	تشویق و توبیخ می کرد
۱۲	مراعات اخلاق و انسانیت
۱۲	پاورقی
۱۴	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

موضوع «جنگ» در نهج البلاغه از اهمیت و امتیاز خاصی برخوردار است، به طوری که اگر جنگ را با تمام ابعادش در نظر بگیریم، می‌توان گفت بیش از یک دوم نامه‌ها و یک پنجم خطبه‌های نهج البلاغه به جنگ اختصاص دارد. در زمان حکومت علی - علیه السلام - سه جنگ اتفاق افتاد و هر سه جنگ با مسلمان نمایان بود و بر امیرالمومنین - علیه السلام - تحمیل شد. بنابراین ما موضوع «جنگ در نهج البلاغه» را در محدوده‌ی همین سه جنگ با شرایط خاصش بررسی می‌کنیم و آن سه جنگ به قرار زیر است:

۱- جنگ جمل ۲- جنگ صفین ۳- جنگ نهروان.

این سه جنگ به ترتیب با ناکثین، قاسطین و مارقین روی داده است. علی - علیه السلام - روش جنگ اسلامی را از پیغمبر اکرم (ص) الهام گرفته بود. و مدت یازده سال همراه آن حضرت، شمشیر به دست گرفته و در متن معرکه‌ها [صفحه ۲]

حاضر بود، ولی اشکال کار در این است که جنگهای زمان پیغمبر (ص) با مشرکین و کفاری بود که منکر خدا و قرآن و اسلام بودند. ولی جنگهای علی (ع) با منافقان و مسلمان نمایانی بود که به شهادت قرآن و تاریخ، زیان آنان برای مسلمین بیش از کفار و مشرکین بوده است.

در هر حال هدف علی - علیه السلام - در این جنگها، یاری مظلوم، سرکوبی ظالم، گسترش عدالت و آزادی و آشکار کردن حقیقت اسلام بوده است.

علی - علیه السلام - هیچ گاه جنگ را آغاز نمی‌کرد. قبل از جنگ جلسه‌ی بحث آزاد تشکیل می‌داد، که گاهی خوا آن حضرت و گاهی فرستادگان و نمایندگان در آن شرکت می‌کردند، اگر مخالفین برای بحث و مناظره حاضر نمی‌شدند، به آنها نامه می‌نوشت. در مناظره‌ها و نامه‌ها گاهی نصیحت و موعظه می‌کند، خدا و قیامت و بهشت و دوزخ را یادآوری می‌کند. گاهی عواقب وخیم مادی جنگ را به یاد می‌آورد، و زمانی شرافت و غیرت انسانی را گوشزد می‌کند، تا شاید خفتگان مغرور بیدار شوند، یا در چاه هلاکت افتاده‌ای، دست خود را به سوی او دراز کند. خلاصه‌ی سخن این که، او حجت را از هر سو بر دشمن خیره سر تمام می‌کرد، که تا ممکن است جنگ بر پا نشود و خونی ریخته نگردد. سپس هر گاه تمام این مراحل و مقدمات سود نمی‌بخشید و دشمن به خیره سری و ستیزه‌جویی ادامه می‌داد و صف آرایی می‌نمود، آماده‌ی جنگ می‌شد و تا زمانی که دشمن دست به شمشیر نمی‌برد و تیری رها نمی‌کرد، امیرالمومنین در انتظار می‌نشست و سربازان خود را به خونسردی و تسلط بر اعصاب توصیه می‌کرد. ولی زمانی که دشمن حمله را آغاز و به حریم اسلام و مسلمین تجاوز می‌کرد، دیگر مسامحه و غفلت را روا نمی‌دانست، از فرصتها به مقدار مشروع استفاده می‌کرد و با هوشیاری و دوراندیشی امور جنگ را مراقبت می‌کرد. خودش در جنگ شرکت می‌کرد و فرزندانش را به همراه می‌آورد. تاکتیکهای جنگی را به سربازانش

می آموخت، تنبلیها را سرکوفت می داد و به غیرت وا می داشت، در سخنرانیهای

[صفحه ۳]

پر شور خویش، آنها را نامرد و مانند عروسان در حجله می نامید [۱] و می فرمود:

اف بر شما که همچون گوسفندان از چوپان فرار کرده اید [۲] شما حرف می زنید و عمل نمی کنید، کاش معاویه ده تن از شما را می گرفت و یک سرباز خود را به من می داد [۳] خدا شما را بکشد، شما دلم را پر خون و سینه ام را خشمگین کردید. دین شما کجا رفت و غیرت شما چه شد؟ [۴].

و زمانی که به سخنش گوش می کردند و بر سر غیرت می آمدند، آنان را ملاطفت و تشویق می کرد و درباره ی آنها دعا می کرد و می فرمود: خدا شما را جزای خیر دهد که عقده ی دلم را گشودید و دشمن را به عقب رانید، در همین حال به آنها سفارش می کرد، که متعرض زنان و کودکان و پیران دشمن نشوید. فرار کننده را تعقیب نکنید. نهرها را مسموم نکنید و درختان را نسوزانید. چون سلاح بر مین گذاشته و آماده صلح شدند، از ایشان بپذیرید و جنگ را ادامه ندهید و از همه مهمتر در همه ی احوال خدا را در نظر داشته و ذات قدوس او را حاضر و ناظر اعمال خویش بدانید. اینک شواهد این مختصر را ضمن ۶ فراز از نهج البلاغه بیان می گردد:

هدف جنگ

تاریخ مدون جنگهای بشری، شهادت می دهد که هدف و انگیزه ی جنگها، غالباً کشور گشایی، توسعه طلبی و استثمار مستضعفین بوده است، ولی علی - علیه السلام - هدف خود را در جنگهایش چنین بیان می کند:

الف - خدایا تو می دانی که جنگ ما برای سلطه جویی و دنیا طلبی نبود، بلکه می خواستیم تا شعائر از میان رفته ی دین تو را بازگردانیم و اصلاح امور را در دیار و بلاد آشکار سازیم تا بندگان مظلومت امنیت یابند و احکام و حدود تعطیل شده ات تجدید شده و بر پا گردد. [۵].

ب - چون طلحه و زبیر بیعت شکنی کرده و آماده ی جنگ با آن حضرت

[صفحه ۴]

شدند، به آنها فرمود: شما ندانسته و ناخود آگاه با من بیعت نکردید، روش من و شما یکسان نیست، من شما را برای خدا می خواهم و شما مرا برای خود می خواهید، سپس رو به مردم کرد و فرود: ای مردم بر خلاف دلخواهتان مرا یاری دهید، به خدا سوگند به مظلوم انصاف می دهم تا حقش را از ظالم بگیرم و افسار در بینی ظالم کنم تا او را به آبشخور حق در آورم، اگر چه ناراضی باشد [۶].

ج - زمانی که با لشکر دشمن مواجه می شد، چنین می فرمود:

خدایا: دلها به سوی تو شتافته، گردنها کشیده شده، دیده ها باز مانده، گامها راه پیموده و بدنها لاغر شده است (با تمام وجود به سوی تو آمده ایم)، خدایا عداوتهای پنهان آشکار شده و کینه ها در سینه هاب هجوش آمده، خدایا به تو شکایت می آوریم از نبودن پیغمبر من و بسیاری دشمن و پراکنندگی آرائمان، پروردگارا، خودت میان ما و قوم ما به حق داور و میانجی گری فرما که تو بهترین داورانی. [۷].

حضرت هیچ گاه آغاز به جنگ و حمله نمی کرد

الف- به پسرش امام حسن (ع) می‌گوید: هیچ کس را به مبارزه دعوت مکن و اگر دیگری تو را دعوت کرد پذیر و به جنگ او بشتاب که مبارزجو ستمگر است و ستمگر به زمین خورده و مغلوب خواهد بود. [۸].

ب- معقل بن قیس ریاضی را فرمانده سه هزار سرباز کرد و به عنوان پیشاهنگ برای جنگ صفین به شام فرستاد و در نامه‌ای به او نوشت: «بترس از خدایی که به ناچار او را ملاقات می‌کنی و سرانجامی جز رفتن نزد او نداری و جنگ مکن مگر با کسی که با تو می‌جنگد» [۹].

ج- هنگامی که در جنگ صفین دو لشکر در برابر یکدیگر قرار گرفتند، به سربازان خود فرمود: شما به جنگ نپردازید تا زمانی که آنها شروع نند، زیرا شما بحمدالله بر آنان حجت دارید و اگر ایشان را رها کنید تا خود شروع به جنگ [صفحه ۵]

کنند، این خود حجت دیگری است از شما بر ایشان. [۱۰].

د- در همین جنگ، چند روز سربازان را معطل نگه داشت و چون شامیان حمله را آغاز نکرده بودند، دستور حمله نمی‌داد، عاقبت سربازانش به ستوه آمدند و گفتند: علی یا از مرگ می‌ترسد و یا در گمراهی شامیان شک دارد. در پاسخ آنها فرمود: اما نسبت به ترس از مرگ که گفتید، بدانید برای من فرق نمی‌کند که من به جانب مرگ روم یا مرگ به سوی من آید (در معرکه کشته شوم یا در بستر بمیرم) و اما نسبت به شک در گمراهی شامیان، بدانید که چنین نیست بلکه به خدا سوگند من یک روز جنگ را به تاخیر نمی‌اندازم، مگر به امید این که مردمی به من بپیوندند و در پرتو من هدایت یابند و از کوردلی رها شوند. من این روش را از کشتن آنها در حال گمراهی دوست‌تر می‌دارم، اگر چه در آن صورت هم خسارت و گنااهش به گردن خود آنها است [۱۱].

امیرالمومنین پیش از جنگ اتمام حجت می‌کرد

اشاره

آن حضرت در هر یک از سه جنگی که بر او تحمیل شده است، مباحثات و مکاتبات مفصلی با سران دشمن داشته است که از آنها استفاده می‌شود که چقدر از جنگ و خونریزی کراهت و نفرت داشته است و تا آنجا که ممکن بوده می‌خواست که با مذاکره و بحث و نصیحت، دشمن سنگدل و گمراه، به راه آید و لجاجت و سرسختی را کنار بگذارد، برای این که جنگ صفین واقع نشود، تنها شانزده نامه به معاویه نوشته است [۱۲] که در نهج‌البلاغه آمده است، در کتب تاریخ هم نامه‌های دیگری دیده می‌شود و برای عمرو عاص و دیگران هم نامه نوشته است، در اینجا به قسمتی از نامه‌ها اشاره می‌شود:

الف- اینک وقت آن رسیده که با چشم بینا از واقعیتها به سود خود بهره‌گیری، تو در ادعای نادرست و جعل دروغ و خود بزرگ بینی و ربودن و بدست آوردن چیزی که استحقاق نداری (بیت المال و حکومت بر مسلمین) به راه [صفحه ۶]

پیشینیان می‌روی، تا از حق فرار کنی و چیزی را که از خون و گوشت برای تو ثابت شده‌تر است (خلافت من) انکار نمایی ... غیر از حق جز گمراهی آشکار وجود ندارد [۱۳] (و راه سومی نیست).

ب- معاویه، به جان خودم سوگند، اگر با عقلت بسنجی نه با هوای نفست، من پاکدامنترین مردم نسبت به خون عثمانم، خودت می‌دانی که من به کناری بوده‌ام، مگر بخواهی بهتانی بزنی و آنچه نزد تو روشن است پنهان کنی. [۱۴].

ج- معاویه چه خواهی کرد زمانی که حجاب دنیا، از پیش رویت برداشته شود (مرگت فرارسد) اکنون دنیا خود را آرایش کرده و با لذاتش ترا می‌فریبد. دنیا تو را به سوی تو خوانده و تو هم اجابتش کرده‌ای، افسارت را کشیده و تو هم به دنبالش رفته‌ای، او فرمانت داده و تو هم اطاعتش کرده‌ای، نزدیک است که تو را برای چیزی نگه دارند (حساب آخرت) که هیچ کس نجات ندهد. از این کار زشت (ادعای حکومت یا خونخواهی عثمان) باز ایست و خود را آماده حساب کن و مهیای آخرت باش. گوشت را در اختیار گمراهان مگذار و گرنه به تو می‌فهمانم که چگونه از خود بی‌خبر بوده‌ای. تو افزون طلبی و شیطان راه خود را در وجودت باز یافته و به وسیله‌ی تو به آرزویش رسیده و در خون و روح تو جاری شده است، ای معاویه، شما (بنیامیه) چه زمان سیاستمداران رعیت و حاکم امر امت بوده‌اید؟ شما که در راه پیشرفت اسلام، قدمی برنداشته و بزرگواری و شرفی نداشته‌اید. به خدا پناه می‌بریم از گریبانگیر شدن شقاوت‌های جاهلیت و تو را بر حذر می‌دارم از این که در آرزوهای فریبنده فروروی و ظاهر و باطنت یکسان نباشد. [۱۵].

د- علاوه بر نامه‌هایی که به معاویه نوشته، نامه‌ای هم به عمروعاص نوشته است و در آنجا چنین می‌گوید:
تو دینت را در پی دنیای مردی برده‌ای که گمراهیش آشکار و او پرده دریده است (معاویه بن ابی‌سفیان). او مرد با کرامت را با مجالست خود، زشت و ننگین می‌کند و
[صفحه ۷]

خردمند را با معاشرتش سفیه و بی‌خرد می‌سازد، به دنبال او رفته و از پس مانده‌ی او طلب کرده‌ای، همچون سگی که به دنبال شیر درنده رود و منتظر پس مانده‌ی شکار او باشد، لذا دنیا و آخرت هر دو را از دست داده‌ای، در صورتی که اگر به راه حق می‌رفتی به مطلوب خود می‌رسیدی. اگر خدا به من فرصت دهد، تو پسر ابوسفیان را به خاطر ستم‌هایت کیفر می‌دهم و اگر مرا ناتوان کردید و بعد از من باقی بودید، آنچه را در پیش دارید (کیفر الهی) از کیفر من بدتر است. [۱۶].

جنگ جمل

پیش از جنگ جمل «ابن عباس» را برای نصیحت نزد سران دشمن فرستاد و به او فرمود: نزد طلحه مرو که او را همچون گاو نری می‌بینی که شاخش را به دور گوشش می‌پیچد (متکبر و خشن است) چارپای سرکش سوار می‌شود و می‌گوید: راهوار است (به کارهای دشوار دست می‌زند و می‌گوید آسان است) ولی با «زبیر» ملاقات کن که او نرم خوی است. به او بگو: پسر عمه‌ات (علی (ع)) می‌گوید: «تو که در حجاز مرا شناختی (در مدینه با من بیعت کردی) چه پیش آمد که در عراق منکر شدی» [۱۷] (نقض بیعت کرده، به جنگ من برخاستی؟).

مذاکرات علی - علیه‌السلام - با طلحه و زبیر یا درباره‌ی آنها قبل از جنگ جمل و بعد از آن، متعدد است، ما تنها بعضی از آنچه را که در نهج‌البلاغه آمده است نقل نمودیم.

جنگ نهروان

در جنگ صفین چون ابوموسی از عمروعاص گول خورد و علی - علیه‌السلام - را از خلافت عزل کرد، دوازده هزار تن از لشکریانش از آن حضرت جدا شده و می‌گفتند: «تو باید اقرار کنی که کافر شده و پس از آن توبه کنی تا از تو پیروی کنیم».

[صفحه ۸]

حضرت ابتدا «ابن عباس» را برای مذاکره با ایشان فرستاد و به او فرمود: برای ایشان به آیات قرآن استدلال مکن: زیرا که آیات قرآن معانی متعددی را در بر دارد (و آنها آیات را توجیه می‌کنند و از آن سوء استفاده می‌کنند) برای آنها به سنت پیغمبر (ص) استدلال کن که در آنجا راه گریز ندارند. [۱۸].

ولی استدلال ابن عباس با سنت پیغمبر (ص) هم آنان را مفید نیفتاد و ایشان به سرسختی خود ادامه دادند، سپس خود آن حضرت قبل از جنگ به ایشان چنین فرمود:

شما را هشدار می‌دهم از روزی که میان این نهر و گودالهای این دره به خاک هلاکت افتید، در حالی که نه دلیلی از پروردگار خود داشته و نه برهان روشنی برای شما باشد (نه دلیلی الهی داشته باشید و نه انسانی) دنیا شما را فریفته و قدرشناسی به دام هلاکتان انداخته است، من که خودم شما را از حکومت عمروعاص و ابوموسی نهی می‌کردم و شما مخالفت می‌کردید. شما بیعت مرا شکستید، تا به ناچار رای خود را به سوی هوی و هوس شما متوجه ساختم، شما سبکسر و کم عقید، من چه زیان و بلایی بر شما وارد کرده‌ام؟ [۱۹].

آن حضرت تاکتیکهای جنگی را آموزش می‌داد

علی - علیه السلام - تاکتیکهای جنگی را مناسب با اسلحه و تجهیزات آن زمان موافق اوضاع و شرایط آن عصر به سربازانش می‌آموخت، البته برخی از این تاکتیکها جنبه‌ی عمومی دارد و در هر عصر و زمان و با هر اسلحه و نیرویی قابل انطباق است. در نهج البلاغه پنج مورد تعلیم تاکتیکی ذکر شده است:

الف - چون شما بر دشمن در آید (هنگامی که نخست او به میدان کارزار در آمده باشد) یا دشمن بر شما در آید، باید لشکرگاه شما در جلو بلندیا یا دامنه کوهها یا سر پیچ نهرها باشد، تا هم در پناه باشید و هم راه آمد و شدی داشته باشید و هم مبارزه‌ی شما از یک سو یا دو سو باشد (تا دشمن نتواند از چهار سو بر شما حمله [صفحه ۹])

کند) و از طرف خود دیده بانها بر سر کوهها و بالای تپهها بگمارید، تا دشمن بر شما نتازد، از جایی که ترس دارید (و هجوم و شیبخون او را احتمال می‌دهید) یا در امانید (و هجوم او را احتمال نمی‌دهید) و بدانید که مقدمه‌ی لشکر جاسوس است (گروه شناسی) و جاسوس مقدمه پیشروان لشکر است. (پس جاسوس باید پیش از پیشروان و اصل لشکر پس از پیشروان در حرکت باشند) از جدا شدن بپرهیزید، همه با هم پیاده شوید و با یکدیگر حرکت کنید و چون شب فرارسد، نیزه‌ها را همچون کفه ترازو، به دور خود نصب کنید و خواب را اندک بچشید یا فقط مضمضه کنید [۲۰] (چرتی بزنید).

ب - به معقل بن قیس که سردار سه هزار سرباز بود، دستور می‌دهد که: «در دو طرف روز که هوا سرد است (صبح و عصر) حرکت کن و هنگام ظهر به لشکر استراحت بده و هنگام حرکت به آنان آسایش ده و در سر شب حرکت مکن که خدا آن را زمان آرامش قرار داده است. شب هنگام ایستادن است نه حرکت و رفتن. در شب به بدنت استراحت دهو پشتت را به خوابگاهش برسان و چون روشنی سحر پهن شد، یا نور فرج شکافته شد، در پرتو برکت خدا حرکت کن. چون به دشمن رسیدی میان سربازان قرار گیر. نه به دشمن نزدیک باش، همچون کسی که قصد حمله دارد و نه دور باش چونان کسی که از جنگ می‌ترسد و منتظر باش تا فرمانم به تو برسد». [۲۱].

ج - در جنگ جمل هنگامی که پرچم را به دست پسرش، محمد بن حنفیه داد، به او فرمود: «اگر کوهها متزلزل شوند، تو نباید تکان بخوری، دندانهایت را به هم بفشار، جمجمهات را به خدا عاریت ده. پاهایت را بر زمین میخکوب کن. نگاهت به آخر

لشکر دشمن باشد (که تا آنجا پیشروی کنی) چشمت را ببوش (به چیزی جز معرکه جنگ منگر) و بدان که نصرت و یاری از سوی خدای سبحان است. [۲۲].

د- «بر شما گران نیاید، گریزی که یورش در پی دارد و نه پراکندگی ای که [صفحه ۱۰]

در پس آن حمله باشد (زمانی که از برابر دشمن جاخالی می کنید و پراکنده می شوید تا آماده‌ی حمله شوید، اندوهگین مباشید که گاهی تاکتیک جنگی چنین روشی را اقتضا می کند) حق شمشیرها را (که در دست دارید) ادا کنید، پهلوئی دشمن را برای به خاک افتادن بسازید، نیزه‌ها را با اثر بزنید و شمشیر را بر خطر، صداها را خفه کنید تا سستی و ترس را از شما بزداید. [۲۳].

های مسلمانان، لباس زیرین خود را ترس از خدا (و احساس مسئولیت) و لباس روئین خود را آرامش و خونسردی قرار دهید ... زره خود را تکمیل کنید و پیش از کشیدن شمشیر، چند بار آن را در نیام تکان دهید (تا هنگام مواجهه با دشمن به آسانی برآید و به طور کلی اسلحه‌ی خود را پیش از به کار بردنش آزمایش کنید) با حالت خشم بنگرید و (نه تنها پیش رو بلکه) جانب چپ و راست را هم بزنید و جای تیز شمشیر را به کار برید و با پیش نهادن گام، شمشیر را به دشمن برسانید. [۲۴].

تشویق و توبیخ می‌کرد

در نامه‌ای که به مالک اشتر نوشته و آن خود سند درخشان و زنده‌ای از ویژگیهای دقیق یک حکومت اسلامی است، چنین تذکر می‌دهد:

باید که نیکوکار و بدکردار نزد تو یکسان نباشد. که اگر آنان را برابر دانی، نیکوکار نسبت به نیکویی بی‌رغبت می‌شود و بدکار به بدی عادت می‌کند، بلکه برای هر یک از این دو دسته، آنچه برای خود لازم دانسته‌اند لازم بدان ... ستایش نیک آنان را پیوسته دار و رنجی را که برده‌اند بر شمر، زیرا یاد کردن بسیار از کارهای نیکشان، دلیران را نشاط و امید می‌دهد و خانه نشسته و تنبل را به حرکت می‌آورد. [۲۵].

و چون مردم بصره در جنگ جمل، رشادت و دلاویز کردند و خوب جنگیدند، به آنان نامه نوشت که: خدا شما را از جانب اهل بیت پیغمبرتان بهترین پاداشی دهد که به اطاعت کنندگان فرمان و سپاسگزاران نعمتش می‌دهد، که سخن

[صفحه ۱۱]

مرا شنیده و اطاعت کردید و چون شما را خواندم، اجابت کردید. [۲۶].

و روزی که در جنگ صفین نیکو جنگیدند، به آن فرمود: خشم سینه‌ام شفا یافت، زمانی که دیدم در آخر کار با به کار بستن شمشیر و نیزه، آنها را (دشمن را) می‌رانید چنانکه شما را راندند و از مواضعشان دور می‌کنید، چنان که شما را دور کردند، آنان مانند شترانی بودند که از آبگاه خود رانده می‌شدند و دسته‌یی در حال فرار، بر دسته‌یی دیگر سوار می‌شدند. [۲۷].

و اما توبیخهای علی علیه‌السلام، نسبت به سربازان سست و تنبلش در نهج‌البلاغه بسیار بوده که رخی از آنها از این قرار است: الف- ای مردمی که بدنهایتان جمع و خواسته‌های دلتان پراکنده است، سخنان داغ شما، سنگهای سخت را در هم می‌شکنند ولی اعمال شما دشمنانتان را به طمع می‌اندازد، در مجالس می‌نشینید و چنین و چنان لاف می‌زنید، ولی زمانی که جنگ فرامی‌رسد، می‌گویید: «فرار، گریز» آن کس که شما را بخواند، فریادش به جایی نرسد و کسی که برای شما رنج برد، قلبش از آزار شما در امان نباشد، به عذرهای باطل و نابجا متشبت می‌شوید، همچون بدهکاری که با بهانه جویی، از ادای دین خود

سرباز می‌زند. افراد ناتوان هرگز ظلم را از خود دور نمی‌کنند و حق جز با تلاش و کوشش به دست نیاید، شما که از خانه‌ی خود دفاع نمی‌کنید، از چه خانه‌ای دفاع خواهید کرد؟ و با کدام رهبر پس از من به مبارزه خواهید رفت. به خدا سوگند فریب خورده‌ی واقعی کسی است که به گفتار شما مغرور شود ... [۲۸].

ب- من شب و روز، پنهان و آشکار، شما را به مبارزه‌ی با این مردم (معاویه و پیروانش) دعوت کردم و گفتم پیش از آنکه با شما بجنگند، با آنان نبرد کنید. به خدا سوگند هر ملتی که در درون خانه‌اش مورد هجوم دشمن قرار گیرد، ذلیل [صفحه ۱۲]

خواهد شد، ولی شما سستی کردید و نشستید تا دشمن پی در پی به شما حمله کرد و سرزمین شما را مالک شد ... روی شما زشت باد و همواره قرین اندوه باشد که به شما حمله می‌کنند و شما مقابله نمی‌کنید ... ای مرد نمایان نامرد، ای کودک صفتان بی‌خرد، ای عروسان حجله نشین، ای کاش شما را هرگز نمی‌دیدم و نمی‌شناختم، شناختی که برایم پشیمانی و اندوه در پی داشت، خدا شما را بکشد که دلم را پر از خون و سینه‌ام را پر از خشم کردید ... [۲۹].

ج- نفرین بر شما که از بس سرزنش‌تان کردم، خسته شدم، آیا به جای زندگی با سعادت آخرت، به زندگی موقت دنیا راضی شده‌اید؟ و به جای عزت و سربلندی، بدبختی و ذلت را برگزیده‌اید؟ هر گاه شما را به جنگ با دشمنانتان دعوت می‌کنم، چشمتان در حلقه دور می‌زند، گویا ترس از مرگ عقلتان را ربوده و همچون مستان بی‌خرد، از خود بی‌خود شده و سرگردان شده‌اید و گویا عقل خود را از دست داده‌اید و درک نمی‌کنید ... [۳۰].

مراعات اخلاق و انسانیت

علی - علیه‌السلام - جنگ را تا آنجا لازم می‌دانست که حق مظلوم گرفته شود و متجاوز سر جای خود بنشیند و شعائر اسلام آشکار گردد، بدون این که به بی‌گناهی آسیبی برسد یا حتی دشمن متجاوز، کیفی غیر انسانی و غیر عادلانه ببیند. علی - علیه‌السلام - درباره‌ی قاتلش به فرزندان خویش چنین وصیت می‌کند: چون من از این ضربت مردم، قاتلم را به کیفر این ضربت تنها یک ضربت بزنید، این مرد را «مثله» نکنید که من از رسول خدا - صلی الله علیه و آله - شنیدم که می‌فرمود، مبادا جاندار را مثله کنید، اگر چه سگ گاز گیرنده باشد. [۳۱].

[صفحه ۱۳]

علی - علیه‌السلام - پیش از آنکه جنگ صفین بر پا شود، لشکریانش را این گونه سفارش می‌کند: چون به اذن خدا دشمن شکست خورد، پشت کننده را نکشید، مکشوف العوره را نزنید، زخم خورده را نکشید و زنان را با آزار خود تحریک نکنید. اگر چه آبروی شما را بریزند و امیران شما را دشنام دهند. [۳۲].

باورقی

[۱] عقول ربات الحجال، خطبه‌ی ۲۷.

[۲] ما انتم الا کابل ضل رعاتها. خطبه‌ی ۳۴.

[۳] لوددت و الله ان معاویه صارفنی بکم صرف الدینا بالدرهم فاخذ منی عشره منکم و اعطانی رجلا منهم. خطبه‌ی ۹۵.

[۴] قاتلکم الله لقد ملاتم قلبی قیحا و شحنتم صدری غیظا خطبه‌ی ۲۷ زاما دین یجمعکم و لاحمیه تحمشکم ط ۳۹ و ۱۷۸.

[٥] اللهم انك تعلم انه لم يكن الذى كان منا منافسه فى سلطان و لا التماس شىء من فضول الحطام و لكن لندرد المعالم من دينك و نظهر الاصلاح فى بلادك. فيامن المظلومون من عبادك و تقام المعطله من حدودك. نهج البلاغه، خطبه ١٢٩.

[٦] لم تكن بيعتكم اياى فلته ... نهج البلاغه، خطبه ١٣٤.

[٧] اللهم افضت اليك القلوب و مدت الاعناق و ش خصت الابصار ... نهج البلاغه، مكتوب ١٥.

[٨] لا تدعون الى مبارزه و ان دعيت اليها فاجب فان الداعى باغ و الباغى مصروع، نهج البلاغه، حكمت ٢٣٣.

[٩] اتق الله الذى لا بد لك من لقائه و لا متهى لك دونه و لا تقاتلن الا من قاتلك. نهج البلاغه، مكتوب ١٢.

[١٠] لا تقاتلوهم حتى ييدوكم فانكم بحمد الله على حجه و ترككم اياهم حتى ييدوكم حجه اخرى لكم عليهم، نهج البلاغه، مكتوب ١٤.

[١١] اما قولكم كل ذلك كراهيه الموت فو الله ما ابالى ادخلت الى الموت او خرج الموت الى، نهج البلاغه، خطبه ٥٥.

[١٢] اين نامه ها بدين قرار است: نامه هاى شماره ٦ تا ١٠ و ١٧ و ٢٨ و ٣٠ و ٣٢ و ٣٧ و ٤٨ و ٤٩ و ٦٤ و ٦٥ و ٧٣ و ٧٥.

[١٣] اما بعد فقد ان لك ان تنتفع باللمح الباصر من عيان الامور ... نهج البلاغه، مكتوب ٦٥.

[١٤] و لعمرى يا معاويه لئن نظرت بعقلك دون هواك لتجدنى ابرا الناس من دم عثمان ... نهج البلاغه، مكتوب ٦.

[١٥] و كيف انت صانع اذا تكشفت عنك جلايب ما انت فيه من دنيا ... نهج البلاغه، مكتوب ١٠.

[١٦] فانك قد جعلت دينك تبعا لدنيا امير ظاهرغيه، مهتوك ستره ... نهج البلاغه، مكتوب ٣٩.

[١٧] لا تلقين طلحه فانك ان تلقه تجده كالثور، عاقصا قرنه ... نهج البلاغه، خطبه ٣١.

[١٨] لا تخاصمهم بالقرآن، فان القرآن حمال ذو وجوه، تقول و يقولون ... نهج البلاغه، مكتوب ٧٧.

[١٩] فانا نذيركم ان تصبحوا صرعى باثناء هذا لنهر و باهضام هذا الغائط ...، نهج البلاغه، خطبه ٣٦.

[٢٠] فاا نزلتم بعدو او نزل بكم فليكن معسكركم فى قبل الاشراف ... نهج البلاغه، مكتوب ١١.

[٢١] و سر البردين و غور بالناس ورقه فى السير و لا تسر اول الليل ... نهج البلاغه، مكتوب ١١.

[٢٢] تزول الجبال و لاتزل، عض على ناجذك، اعر الله جمجمتك، تد فى الارض قدمك ... نهج البلاغه، خطبه ١١.

[٢٣] لا تشتدن عليكم فره بعدها كره و لا جوله بعدها حمله ... نهج البلاغه، مكتوب ١٦.

[٢٤] معاشر المسلمين، استشعروا الخشيه و تجلببوا السكينه و عضوا على النواجذ، نهج البلاغه، خطبه ٦٤.

[٢٥] و لاى كونن المحسن و المسى عندك بمنزله سواء، فان فى ذلك ترهيدا لاهل الاحسان فى لاحسان ... نهج البلاغه، مكتوب ٥٣.

[٢٦] و جزاكم الله من اهل مصر عن اهل بيت نبيكم احسن ما يجزى العاملين بطاعته ... نهج البلاغه، مكتوب ٢.

[٢٧] و لقد شفى و حاوج صدرى ان رايتكم باخره تحوزونهم كما حازوكم ... نهج البلاغه، خطبه ١٠٥.

[٢٨] ايها الناس المجتمعه ابدانهم، المختلفه اهواءهم، كلامكم يوهى الصم الصلاب ... نهج البلاغه، خطبه ٢٩.

[٢٩] فقبحا لكم و ترحا حين صرتم غرضا يرمى، ... يا اشباه الرجال و لا رجال، حلوم الاطفال و عقول ربان الحجال، لوددت انى لم اركم و لم اعرفكم، معرفه و الله جرت ندما و اعقت سدا ... نهج البلاغه، خطبه ٢٧.

[٣٠] اف لكم لقد سئمت عتابكم، ارضيتم بالحياه الدنيا من الاخره عوضا ... نهج البلاغه، خطبه ٣٤.

[٣١] انظروا اذا مت من ضبته هذه فاضربوه ضربه بضره و لا يمثل بالرجل ... نهج البلاغه، مكتوب ٤٧.

[٣٢] فاذا كانت الهزيمه باذن الله فلا تقتلوا مدبرا و لا تصيبوا معورا ... نهج البلاغه، مكتوب ١٤.

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البيت عليهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۴۵۰۲۳۵)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی

مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و

لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز

به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف

توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: -۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۰-IR۹۰-

۵۳-۰۶۰۹-۰۶۲۱ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا

کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده

بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد

داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید.».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری:

مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و

ضعیف از پیروان ما را دارد، ایا تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدمان، نگاه می دارد و با

حجت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکنند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند،

گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده

کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد.».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری

مانند آزاد کردن بنده دارد.».



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

